

۳۰ ایرانیان، سال دوازدهم، شماره ۳۹۵، جمعه ۱۲ مهر ۱۳۸۷

خالی از شوخی

بقیه از صفحه ۲۷

لازم داشته باشند!

۳ – دو نفر: یک نفر که بالای نردبام برود و لامپ را ببندد و نفر دیگر که برای او دست بزند و از استادی او در امر تعویض لامپ تعریف و تمجید کند!

۲ – دو نفر: شخصی که چراغ خانه‌اش سوخته کس دیگری را پیدا می‌کند تا از نردبام بالا رفته و لامپ او را عوض کند! چون خودش از ارتفاع وحشت دارد اما قادر است نردبام را محکم نگه دارد!

۱ – بیست نفر: یک نفر برای بستن لامپ و

دو سند – دو تحول...

بقیه از صفحه ۱۱

خارج کشور حکایت می‌کند. در چند سال اخیر که مساله همگرایی نیروهای سیاسی حول آرمان‌ها یا خواست‌های مشترک مطرح شده بود، بحث‌های زیاد و گاه حادی حول این مساله در گرفت. در طیف جمهوری‌خواهان بسیاری براین بودند که در هر اتحادی باید روی آرمان جمهوری‌خواهی تکیه داشت و مرزی خدشه‌ناپذیر با هواداران پادشاهی تعیین کرد. برخی از دیگر از جمهوری‌خواهان (و از جمله، نگارنده) استدلال می‌کردند که مساله اصلی سیاسی جامعه ما دموکراسی است و نه جمهوری، و از آن نتیجه می‌گرفتند که نیاز امروز تشکیل چیزی از قبیل جبهه دموکراسی‌خواهی است که بر اساس یک سلسله اصول مشخص دموکراتیک و حقوق بشری شکل بگیرد و این که نباید اجازه داد مساله دموکراسی تحت‌الشعاع بحث‌ها و درگیری‌های بی‌حاصل جمهوری یا سلطنت قرار گیرد. از دید اینان، وظیفه دموکرات‌ها مبارزه برای حق انتخاب مردم است، و پس از تحقق این امر هر گروهی می‌تواند برای استقرار نظام مطلوب خود مبارزه و تبلیغ کند، و سرانجام محک دموکرات بودن آن است که نوع نظام و قانون اساسی آن به رای آزاد مردم و مجلس

ایران و بحران‌ها...

بقیه از صفحه ۱۰

تاریخ زیان به حدود ۲۰۰ میلیارد بود.(۲) او اضافه می‌کند که «به ما گوش ندادند.»

سیاسیون پول مردم را تزریق ورشکسته‌ها می‌کنند. برای پرهیز از فاجعه فروریزی کل اقتصاد باید طرح اصلاحی داشت وگرنه دولت‌ها متهم به ناتوانی می‌شوند. فعلا کندی اقتصاد و کسادی پیش روی ماست. رییس FMI می‌گوید: سود جهانی در آینده از طریق کنترل بازار مالی باید تضمین شود. دول آمریکا و چین سال‌های دراز با این کار مخالفت کردند.

اروپای متحد هم نیاز به تصمیم‌گیری دارد در زمینه تنظیم امور مالی و تضمین سود ولی اروپای متحد هنوز دولت نیست؛ پس می‌لنگد.

الکساندر آدلر می‌نویسد: برای آن که آمریکا آمریکا بماند دگرگونی‌های بزرگ در پیش است؛ از جمله این که استراتژی دلار ارزان برای صادرات بیشتر جای خود را به دلار قوی (مورد علاقه جان مک‌کین) می‌دهد. آمریکا رفته رفته خود را از نفت‌گران خاورمیانه بی‌نیاز می‌کند و بر تعرفه‌های گمرگی می‌افزاید و ضمنا برنامه توسعه نظامی جمع و جور می‌شود. و البته قناعت و صرفه‌جویی مطرح می‌شود و مالیات بیشتر حتمی خواهد بود. بدیهی است مال‌اندوزی‌های شخصی هم بسیار کم می‌شود و با کنترل بازار شاید دوره استعمار جدید سر به نیست شود. و خود به خود امر مبارزه با تروریسم به خود کشورها سپرده می‌شود و مثلا هند و پاکستان به بسیج در این کار شاید مامور شوند و یا خود دست به این کار بزنند زیرا این دو کشور کانون عمده بنیادگرایان فعال‌اند.(۳) فلیکس روهاتاین(۴) می‌گوید: آمریکا به سمت نوعی سوسیالیزم می‌رود. بی جهت نیست که مجله «تایم»(۵) با طعنه و نیش می‌نویسد که به سبب غفلت‌ها و شل دادن‌ها و ولنگاری‌های مالی آمریکا به سوسیالیزم عهد میتران(۶) نزدیک شد و مجهز به نگاه آدام اسمیت(۷).

بدیهی است وقتی حجم پولی تجارت جهانی (OMC) به ۲۸۶ هزار میلیارد دلار برسد، یعنی شش برابر ثروت ناشی از تولید جهانی، خطر بسیار اقتصاد جهان را تهدید می‌کند؛ خطر پول زیاد و تولید کم. این است که همه روسای دول جهان غرب (شاید به اضافه چین و روسیه) ناگزیرند

نوزده نفر بقیه که در کار او فضولی کنند و خبر عوض کردن لامپ را به در و همسایه بگویند!

مصاحبه لری کینگ با احمدی‌نژاد

در شبکه «سی‌ان‌ان»

به دنبال سفر روسای کشورهای مختلف دنیا به سازمان ملل متحد در نیویورک امشب مصاحبه‌ای داریم با محمود احمدی‌نژاد رییس جمهور ایران. چون آقای لری کینگ برای معاینه پروستات خود نزد دکتر رفته بود و به علت درد

موسسان منتخب مردم واگذار شود و نه این که نظام خاصی بر آنان تحمیل گردد.

البته در آن سال‌ها این سخن خریدار زیادی نداشت، و بلکه داعیان آن از سوی بسیاری مورد طعن و لعن قرار می‌گرفتند. انتشار منشور ۸۱ که بر اساس این اندیشه شکل گرفته بود بسیاری را بر آن داشت که به مخالفت با آن برخیزند و دست‌اندرکاران آن را تخطئه کنند. نگارنده این سطور به عنوان یکی از تدوین‌کنندگان آن منشور بارها به «صاف کردن جاده سلطنت‌طلبان» و القابی گاه رکیک در رابطه با آقای رضا پهلوی متهم می‌شد. ولی محترمانه‌ترین لقبی که از سوی برخی از رهبران دو تشکیلات عمده «جمهوری‌خواهی» یعنی اتحاد جمهوریخواهان ایران، «اجا»، و «ججدلا» نثار نگارنده می‌شد «جمهوری‌خواه شرمگین» بود. برای من روشن نبود که چرا دموکراسی‌خواهی از دید اینان جرم است و چرا یک جمهوری‌خواه طرفدار دموکراسی باید از جمهوری‌خواهی خود شرمگین باشد، و چرا اگر فردی جمهوری‌خواه گفت که من به رای مردم احترام می‌گذارم و آن را اگر چه برابر تمایل من نباشد خواهم پذیرفت یک جمهوری‌خواه واقعی نیست. ولی این امر روشن بود که برخی از رهبران «جمهوری‌خواه» برای رای مردم احترامی قایل

اجتماع تازه‌ای کنند و خطوط تنظیم‌کننده امور مالی را به دست دهند.

آمریکا مسایل مهمی در داخل دارد. مثلا ۳۰ درصد پل‌ها قابل تعمیر تشخیص داده شده‌اند.(۸) پس آمریکا باید بیشتر به خود بپردازد تا اقتصاد بر پایه امور شفاف، و مشارکت مردم در تولید ثروت حتمی شود. در چنین شرایطی آمریکا ناگزیر از همکاری و مدارا و هم افقی است در همه زمینه‌ها با چین و روسیه. و این در وضع ایران به عنوان عضو ناظر واقع در اردوگاه سازمان همکاری شانگهای موثر است.

چه بخواهیم چه نخواهیم، اقتصاد جهان در ده دوازده ساله اخیر به اقتصادی کاغذی و بی‌پشتوانه نزدیک شده و نباید فکر کرد که این بحران دامن کشورهای نفت فروش خاورمیانه را نخواهد گرفت. یعنی که ایران هم از این بحران سهمی خواهد برد.

نیش قبر

پرزیدنت بوش در سخنان اخیر خود به پول ارزان و آسان (easy credit) اشاره‌ای عمیق کرد. او غفلت بانک‌ها را در دادن اعتبار و وام‌نسنجیده سرزنش کرد.(۹) و اضافه کرد که ظرف ده سال اخیر پول بسیار به آمریکا آمد زیرا این کشور جاذب سرمایه است ولی عملکرد درست نبود. این تازگی دارد که مقامی چنان سخنانی چنین در امر اقتصاد و امور مالی داخلی عنوان کند و وام خارجی کشور خود و بدهی‌های خانواده‌ها و کسر بودجه را شرح دهد و رسما به یاد آورد ۸۳۶ میلیارد دلار کسری تجارت خارجی را. این یک نوع نیش قبر است. در فاصله سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۷ درصد میلادی بدهی خانواده‌ها در آمریکا از ۸۵ درصد به ۱۱۶ درصد رسیده است. در همین مدت تولید ناخالص داخلی ۱۴ ممیز ۵۰۰ میلیارد، بدهی‌های خصوصی بالغ بر ۱۶ ممیز ۸۲۰ میلیارد بوده‌است.

به عبارت دیگر هر آمریکایی حدود ۵۶ هزار دلار بدهی دارد. بدیهی است بسیاری دارندگان خانه

اکنون بی‌خانمان شده‌اند.

اما پرزیدنت بوش نکته مهمی درباره سرمایه های خارجی ذخیره شده در آمریکا دارد. او می‌گوید این پول‌ها باید به کار می‌افتادند. دو میلیون نفر کار کردند و ذخیره کردند به برکت تجارت جهانی.(۱۰) اشاره جورج بوش به ذخایر چین و کشورهای نفتی است که به پس‌انداز بی‌سابقه‌ای

شدید آنجایش نمی‌توانست روی صندلی مصاحبه استودیو بنشیند از یکی از کارمندان ایرانی استودیوی «سی‌ان‌ان» خواستیم که به جای لری کینگ با احمدی‌نژاد مصاحبه کند. با خود حساب کردیم که این هم چیز جدیدی هست و هم این که دو طرف با زبان فارسی صحبت می‌کنند و می‌توانیم برای بینندگان زرنویس بگذاریم تا اهمیت مصاحبه بیشتر باشد. این مصاحبه‌گرا را با اسمم مستعار علی کینگ به‌شما معرفی می‌کنیم. جریان تعویض مصاحبه‌گر را تا آغاز مصاحبه به احمدی‌نژاد نگفته بودیم.

علی کینگ: آقای احمدی‌نژاد، به برنامه ما خوش آمدید.

احمدی‌نژاد: ااه. شما فارسی حرف

نمودند و به تصریح و تلویح می‌گفتند که به هیچ عنوان «اجازه نخواهند داد» مردم ایران نظام دیگری جز آن‌چه که آنان می‌خواهند برگزینند. در هر صورت، و فارغ از اتهامات و القابی که نثار کسانی مانند نویسنده این سطور می‌شد روشن بود که اختلاف بر سر دموکراسی و عدم آن است. برای یکی دموکراسی اصل است و رای آزاد مردم را فصل‌الخطاب اختلافات سیاسی می‌داند. و برای دیگری آرمان خود او اصل است و آن را میزان پذیرش یا عدم پذیرش رای مردم می‌داند. یکی برای تحقق حق رای مردم مبارزه می‌کند و دیگری برای تحمیل آرمان خود به مردم. یکی آن‌چنان به آرمان خود اعتماد دارد که معتقد است مردم در یک رای‌گیری آزاد آن را می‌پذیرند و دیگری چندان به آرمان خود اعتماد ندارد و می‌اندیشد که از سوی مردم رد خواهد شد. اولی چون چنان می‌اندیشد، واهمه‌ای ندارد که نظام آرمانی خود را به رای مردم بگذارد، و دومی چون آن‌گونه می‌اندیشد از رای مردم نگران است و حاضر نیست آن را به رای مردم محک زند. اولی دموکراسی را اصل می‌داند و می‌خواهد جمهوری را از طریق آن تحقق دهد، و دومی جمهوری را اصل می‌پندارد و دموکراسی را فقط در قالب آن حاضر است تحمل کند.

رسیدند. این کشورهای نوحاخسته اینک ناگزیر از پرداخت‌اند. ایران، حتی اگر ذخایرش در چین و روسیه باشد، نیز باید بپردازد.

نیک لسون، کارمند سابق بانک Barning در سنگاپور که مسئولیت خرید و فروش بورس‌ها را داشت،(۱۱) یقین دارد که بانک‌ها مجازات نخواهند شد. حتی آن‌ها درصد نجات مشتریان نخواهند بود بلکه به مدد دولت برای بقای خود می‌کوشند. پس مشتریان باید به تنهایی تلاش کنند و گلیم خود را از آب بیرون کشند.

بانو کریستین کردلان در سرمقاله مجله مالی – اقتصادی Reussir به طعنه تشبیه گناهکاران مسئول را تشبیه می‌کند به تازبانه زدن بیهوده لشگریان خشایار شاه ایران بر دریای اژه به وقتی که به یونان لشکر کشیده بود.(۱۲) او می‌گوید آن خرده‌مشتریان طالب وام ارزان و آسان مویرگ این خونریزی هم هستند. و معتقد است که دولت‌ها مسئول سرگیجه و بی‌خیالی آن‌ها هستند و چون به وقت جلو نگرفتند امروز باید گناه را بشویند. ولی این دولت‌ها هر راه که بروند سرانجام مردم باید با قناعت و کار اضافی و پرداخت مالیات بیشتر دفع فساد کنند.***

درباره طرح هفتصد میلیاردی دولت آمریکا که نگره مشغول پرداختن آن است (و احتمالا رد می‌شود چون باراک اوباما در مناظره با جان مک‌کین گفت بحران فعلی نتیجه هشت سال سیاست اقتصادی آقای جورج بوش است که مورد حمایت آقای مک‌کین هم می‌باشد) یک نکته گفتنی است. این طرح ملهم و تا حدودی رونوشت طرحی است که سوئدی‌ها در سال ۱۹۹۰ میلادی به اجرا نهادند. آن‌ها اول بانک را ملی کردند و بعد در آن پول ریختند. ببینیم دیگران چه خواهند کرد.***

آیا مدیریت اقتصادی ایران و بانک مرکزی ایران چه تدبیر خواهند کرد. ایران اگر بخواهد از هزینه‌های غیرضرور به نفع کسری سطح زندگی و رفاه مردم بکاهد راهی جز تقویت بخش خصوصی ندارد. ولی بخش خصوصی در جنگ دولت و دولت تسهیل‌کننده واردات از چین و غیره شده است. فرار مغزها و وابستگی بسیار به فناوری‌های رزمی دیگران هم مشکل آفرینی‌ها کرده‌اند. هر طور و از هر زاویه فکر کنیم ایران باید از بسیاری

می‌زنید؟

* وات الس What else?

– بله؟

* معلومه فارسی حرف می‌زنم. فکر کردید

روسی حرف می‌زنم؟

– آقای لری کینگ کجاست؟

* ایشان اونجایش درد می‌کرد نتوانست بیاید.

– شما کی هستید؟

* علی کینگ... جایگزین ایشان شده‌ام. در

آخرین لحظه... سورپرایز!

احمدی‌نژاد رو به محافظان و مترجمانش: این یارو مطمئنه؟ من قرار بود انگلیسی مصاحبه کنم

اکنون پس از تنها چند سال، این بحث‌ها بوی کهنگی می‌دهد. و امروز شاهد آن هستیم که یکی از دو تشکیلات عمده جمهوری‌خواه از استقرار نظام مطلوب خود با «رای آزاد و همگانی شهروندان» سخن می‌گوید و صریحا «نوع نظام آینده و قانون اساسی آن را...[به] مجلس موسسان منتخب مردم» و همه‌پرسی محول می‌کند. به علاوه امروز می‌توان این سخن را گفت بدون این که زیر باران اتهامات و برچسب‌های ریز و درشت و محترمانه یا رکیک قرار گرفت. این امر از یک تحول اساسی در فرهنگ سیاسی خارج کشور حکایت می‌کند. تحولی که نه فقط می‌تواند گرایش‌های مختلف در بین نیروهای جمهوری‌خواه را به هم نزدیک کند و بلکه زمینه‌های تشکیل هم‌بستگی‌های وسیع‌تر حول خواست‌های دموکراتیک و حقوق بشری را نیز هموار نماید. این اقدام را باید به «جنبش جمهوری‌خواهان دموکرات و لائیک ایران» تبریک گفت و امید و انتظار داشت که سایر نیروهای جمهوری‌خواه (و غیر جمهوری‌خواه) دموکرات نیز به اصل حق انتخاب آزادانه مردم احترام بگذارند و با قید صریح آن در برنامه‌های سیاسی و عملی خود به روند نزدیکی هرچه بیشتر نیروهای دموکراسی‌خواه به یکدیگر باری رسانند.

از تحولات استقبال کند. کافی نیست بگوییم و بنویسند دموکراسی پارلمانی ضعیف است.(۱۳)

منابع و توضیحات

۱ – دومنیک اشتراوس‌کان وزیر اقتصاد و دارایی سابق فرانسه و رییس فعلی FMI است. اظهارات ایشان در این مقاله مبتنی است بر مصاحبه‌ای با کلود اسکولویج در شماره ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۸ هفته‌نامه JDD.

۲ – این پیش‌بینی در رابطه است با تحقیقات آقای روبینی مشاور FMI که در مقاله «ریشه بحران مالی کنونی» مفصلا درباره آن نوشتیم.

۳ – نگاه کنید به «فیگارو» مورخ ۲۷ سپتامبر ۲۰۰۸.

۴ – فلیکس روهاتاین به عهد بیل کلینتون سفیر آمریکا در فرانسه بود. او اکنون رییس بانک Lazard و متمایل به دموکرات‌هاست. (به نقل از مصاحبه اخیر وی با «لوموند»).

۵ – شماره ۱۰ جون ۲۰۰۸.

۶ – فرانسوا میتران، رییس جمهور اسبق فرانسه.

۷ – آدام اسمیت، اقتصاددان قرن هجده میلادی.

۸ – رقم کل پل‌ها در آمریکا ۵۷۰ هزار می‌باشد؛ به نقل از رییس بانک Lazard.

۹ – «فیگاروی اقتصادی» مورخ ۲۹ سپتامبر ۲۰۰۸.

۱۰ – همانجا.

۱۱ – نیک لسون یک بار محکوم به شش سال و نیم زندان شد ولی این عادلانه نبود. او صاحب‌نظری است که «گاردین» لندن به وی اعتبار می‌دهد؛ (به نقل از CI).

۱۲ – نگاه کنید به شماره مورخ ۲۹ سپتامبر این نشریه. در صحت این حادثه تاریخی تردید است ولی از جهانگشایان بعید نیست.

۱۳ – در کشورهای اقتدارطلب غالبا به ضعف دموکراسی پارلمانی اشاره می‌شود.

* غیر از مستنداتی که در متن و در حاشیه این نوشته به آن‌ها اشاره شده است، برای نگارش این مطلب از گزارش مبسوط «نیویورک تایمز» و نیز مقاله مهم «کمک، روزولت برگرد» به قلم Nomi Prins در «آلترنت»، سانفرانسیسکو، و همچنین مقاله Heribert Pranti در روزنامه Suddeutsche Zeitung، چاپ مونیخ، بهره گرفته شده است.

Iranians, Vol. 12, No. 395, Friday, October 3, 2008

چند لحظه سکوت... صدای پیچ احمدی و مشاورانش.

* آقای احمدی‌نژاد آیا آماده مصاحبه هستید؟

ما پخش زنده داریم. وقت تلف نکنید.

احمدی‌نژاد با دستپاچگی به دوربین خیره می‌شود...

– بسیار خوب سئوالات خود را سریع بفرمایید من باید به میهمانی افطارم برسم.

* سؤال اول این است که وضع آزادی در ایران چطور است؟

– ما در ایران آزادی مطلق داریم!

* مطلق؟ یعنی همه حق حرف زدن و فعالیت سیاسی دارند؟

– بله.

* ممکنه بیرسم پس چرا شما زندانی سیاسی دارید؟ اگر همه می‌توانند حرفشان را بزنند.

– خب... شما اینجا در آمریکا هم زندانی سیاسی دارید.

این درست نیست. بروید اخبار را بخوانید و بدانید که اینجا کسی را برای حرف زدن زندانی نمی‌کنند.

– اصلا ندانید؟

* نه!

– چه جالب. من نمی‌دانستم.

* سؤال بعدی این است که آیا مردم ایران هنوز بعد از سی سال موافق جمهوری اسلامی هستند؟

– صد درصد! منظورم این است که ۹۸ درصد موافقت و دو درصد بقیه هم در زندان هستند.

* این حرفی نیست که ما می‌شنویم. همه می‌گویند از راننده تاکسی تا دلاک حمام همه به جمهوری اسلامی فحش می‌دهند. یعنی فقط دو درصد مردم موافق این رژیم هستند و ۹۸ درصد مخالف.

– این را چه کسی گفته است؟

* پسرخاله من که تازه رفته بود ایران.

– اسمش را بدهید تا بچه‌ها خودشان شخصا از ایشان سؤال کنند.

* بچه‌ها؟

– بچه‌های اطلاعات.

* منظورتان بچه‌های «کیهان» است؟

– نه اطلاعات!

* بگذریم. شما صحبت از آزادی کردید. آیا در ایران انتخابات آزاد است؟

– صد درصد. منظورم ۹۸ درصد است. البته که آزاد هستند که انتخاب شوند و انتخاب کنند

* آیا هر کسی می‌تواند کاندید رییس جمهوری شود؟

– من جلوی شما نشسته‌ام. مگر من کسی بودم و یا کسی هستم؟

* پس همه می‌توانند کاندید شوند؟ بدون قید و شرط؟

– صد درصد.

* رضا پهلوی و مسعود و مریم رجوی و امیر انتظام و گنجی و...

– این‌ها هم می‌توانند شرکت کنند ولی صلاحیت پیدا نمی‌کنند و وقتشان تلف می‌شود.

* پس انتخابات آزاد نیست...

– به تعریف شما غریب‌ها؛ ولی از نظر ما همه آزادی کامل دارند.

* از این سؤال هم بگذریم. آیا زن‌ها حق دارند هر چه دوست دارند بیوشند و روسری و چادر را کنار بگذارند؟ این را می‌پرسم چون گفتید آزادی مطلق وجود دارد.

– صد درصد. آن‌ها هر چه دوست دارند می‌توانند بیوشند ولی نه در خیابان‌ها. آنچه در خانه می‌پوشند به ما مربوط نیست.

* خب این چه آزادی است؟

– گفتم که تعریف آزادی در غرب با تعریف ما فرق می‌کند. * بگذارید چند سؤال سریع بیرسم چون الان وقت تبلیغات می‌رسد.

– چه خوب که تبلیغات دارید. وقت پیدا می‌کنم بروم یک نماز سریع بخوانم و برگردم.

* در عرض دو دقیقه؟

– مدتش فرق نمی‌کند. سئوالات را بپرسید؟

* آیا شما موافق قانون منع سلاح‌های اتمی برای همه دنیا هستید؟

– صد درصد. البته بعد از این که اسرائیل را حذف کردیم!

بقیه در صفحه ۳۳